

نخست وزیران ایران

دولتهای ایران از ۱۲۸۵ بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷
از مشیرالدوله از سیدضیاء قا بختیار

نویسنده:

دکتر باقر عاقلی



۱۳۹۷

فهرست

- | | | | |
|-----|------------------------------------|-----|-------------------------------------|
| ۱۸۲ | ۱۹ - میرزا حسنخان مستوفی الممالک | ۲۶ | ۱ - میرزا نصرالله مشیرالدوله |
| ۱۹۰ | ۲۰ - میرزا عبدالحسین خان فرمانفرما | ۳۸ | ۲ - سلطانعلی خان وزیرافخم |
| ۲۰۰ | ۲۱ - محمدولیخان سپهدار تنکابنی | ۴۴ | ۳ - میرزا علی اصغر خان امین السلطان |
| ۲۰۸ | ۲۲ - میرزا حسنخان وثوق الدوله | ۵۶ | ۴ - میرزا احمدخان مشیرالسلطنه |
| ۲۱۶ | ۲۳ - میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه | ۶۰ | ۵ - میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک |
| | ۲۴ - سلطان عبدالمجید میرزا | ۶۸ | ۶ - حسینقلی خان نظام السلطنه مافی |
| ۲۲۰ | عین الدوله | ۷۶ | ۷ - میرزا احمدخان مشیرالسلطنه |
| ۲۲۸ | ۲۵ - میرزا حسنخان مستوفی الممالک | ۹۲ | ۸ - کامران میرزا نایب السلطنه |
| ۲۳۴ | ۲۶ - نجفقلیخان صمصام السلطنه | ۹۶ | ۹ - میرزا اجوادخان سعدالدوله |
| ۲۴۲ | ۲۷ - میرزا حسنخان وثوق الدوله | ۹۹ | ۱۰ - محمدولیخان سپهدار تنکابنی |
| ۲۶۰ | ۲۸ - میرزا حسنخان مشیرالدوله | ۱۱۲ | ۱۱ - میرزا حسنخان مستوفی الممالک |
| ۲۷۰ | ۲۹ - سپهدار اعظم | ۱۲۲ | ۱۲ - محمدولیخان سپهدار تنکابنی |
| ۲۸۰ | ۳۰ - سیدضیاءالدین طباطبائی | ۱۳۰ | ۱۳ - نجفقلیخان صمصام السلطنه |
| ۲۹۶ | ۳۱ - احمد قوام (قوام السلطنه) | ۱۴۴ | ۱۴ - محمدعلیخان علاءالسلطنه |
| ۳۱۲ | ۳۲ - میرزا حسنخان مشیرالدوله | ۱۵۲ | ۱۵ - میرزا حسنخان مستوفی الممالک |
| ۳۲۰ | ۳۳ - احمد قوام (قوام السلطنه) | ۱۵۸ | ۱۶ - میرزا حسنخان مشیرالدوله |
| ۳۳۰ | ۳۴ - میرزا حسنخان مستوفی الممالک | ۱۶۴ | ۱۷ - میرزا اجوادخان سعدالدوله |
| ۳۳۸ | ۳۵ - میرزا حسنخان مشیرالدوله | | ۱۸ - سلطان عبدالمجید میرزا |
| ۳۴۴ | ۳۶ - سردار سپه | ۱۷۰ | عین الدوله |

- ۳۷ - محمد علی فروغی (ذکاء الملک) ۳۸۴
- ۳۸ - میرزا حسن خان مستوفی الممالک ۳۹۶
- ۳۹ - مخبر السلطنه هدايت ۴۰۶
- ۴۰ - محمد علی فروغی (ذکاء الملک) ۴۳۰
- ۴۱ - محمود جم (مدیر الملک) ۴۴۴
- ۴۲ - دکتر احمد متین دفتری ۴۶۴
- ۴۳ - علی منصور (منصور الملک) ۴۷۴
- ۴۴ - محمد علی فروغی (ذکاء الملک) ۴۸۶
- ۴۵ - علی سپیلی ۵۰۰
- ۴۶ - احمد قوام (قوام السلطنه) ۵۱۰
- ۴۷ - علی سپیلی ۵۲۶
- ۴۸ - محمد ساعد ۵۵۰
- ۴۹ - مرتضی قلی بیات (سهام السلطان) ۵۶۰
- ۵۰ - ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) ۵۶۸
- ۵۱ - محسن صدر (صدر الاشراف) ۵۸۰
- ۵۲ - ابراهیم حکیمی ۵۹۴
- ۵۳ - احمد قوام (قوام السلطنه) ۶۰۴
- ۵۴ - رضا حکمت (سردار فاخر) ۶۳۸
- ۵۵ - ابراهیم حکیمی ۶۴۲
- ۵۶ - عبدالحسین هژیر ۶۴۸
- ۵۷ - محمد ساعد ۶۶۲
- ۵۸ - علی منصور (منصور الملک) ۶۷۷
- ۵۹ - حاج علی رزم آرا ۶۸۸
- ۶۰ - حسین علا ۷۰۴
- ۶۱ - دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه) ۷۱۴
- ۶۲ - احمد قوام (قوام السلطنه) ۷۵۰
- ۶۳ - دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه) ۷۵۸
- ۶۴ - سپید فضل الله زاهدی ۸۰۲
- ۶۵ - حسین علا ۸۳۰
- ۶۶ - دکتر منوچهر اقبال ۸۵۲
- ۶۷ - مهندس جعفر شریف امامی ۸۸۴
- ۶۸ - دکتر علی امینی ۸۹۸
- ۶۹ - امیر اسد الله علم ۹۲۸
- ۷۰ - حسن علی منصور ۹۵۸
- ۷۱ - امیر عباس هویدا ۹۸۸
- ۷۲ - دکتر جمشید آموزگار ۱۰۹۰
- ۷۳ - مهندس جعفر شریف امامی ۱۱۳۶
- ۷۴ - ارتشبد غلامرضا ازهاری ۱۱۷۶
- ۷۵ - شاپور بختیار ۱۱۹۸

سرگذشت مشروطه

کتابی که در پیش روی دارید تاریخ سیاسی معاصر ایران است که هفتاد و اندی سال، تاریخ کشور ما را دربر گرفته است. این قسمت تاریخ، از صدور فرمان مشروطیت آغاز می‌شود و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با لغو نظام مشروطه سلطنتی پایان می‌پذیرد. بعضی از مورخان عقیده دارند نوشتن تاریخ معاصر کاری عبث و نادرست و جنجال‌انگیز است و از این رو بهتر آن است که از نوشتن آن پرهیز گردد. دلائلی که از طرف این دسته اقامه می‌شود عبارتند از:

الف - نوشته‌های معاصرین که خواه و ناخواه به دلیل قرابت خانوادگی یا ملاحظات مادی یا علل دیگر نمی‌توانند نسبت به مردم زمان خود از اغراض و دوستی و دشمنی و حب و بغض، عاری و خالی باشد و در نتیجه نوشته آنان خدشه‌دار و منطبق با اظهار نظر واقعی نیست.

ب - در زمان حاضر برای نوشتن تاریخ معاصر هنوز اسناد و مدارك کافی در دست نیست. بعضی اسناد، محرمانه است و تا مدتی بعد اولیای امور داخلی و خارجی انتشار آن را به مصلحت نمی‌دانند و از این رو مجهولات بر معلومات غلبه دارد.

برعکس این دسته از مورخین، عده‌ای عقیده دارند که ثبت وقایع تاریخی در زمان حاضر و تجزیه و تحلیل آن کاری شایسته و باارزش است و مورخ که فردی از آن اجتماع بوده است خیلی از مسائل را لمس نموده و بعضاً با عده‌ای از تاریخ‌سازان که حیات دارند به رایزنی و مشورت پرداخته و تا آنجائی که ممکن بوده است حقایق تاریخی را روشن نموده و اگر چنانچه بعدها اسناد و مدارك دیگری منتشر شد که مبطل مطالب قبلی است مورخین دیگر به تصحیح و تهذیب پرداخته تکمله‌ای بر آن می‌افزایند.

نگارنده با عقیده دوم موافقت دارد و معتقد است تاریخ معاصر را باید در زمان خود نوشته و الگویی به دست آیندگان داد تا بعدها پس از به دست آوردن اسناد و مدارك دیگر در تکمیل آن بکوشند.

بنابراین و با توجه به این عقیده، تاریخ مختصر سیاسی معاصر را تدوین نمودم و با مراجعه به اسناد و مدارک منتشر شده و دیده‌ها و شنیده‌ها و غور و بررسی در تمام آنها (چون از لحاظ شرایط سنی در مرحله‌ای قرار گرفته بودم که رابط بین سران مشروطه و تاریخ‌سازان ایران و نسل فعلی هستم) و با تحقیق کامل در متن، اظهارات آنها را در این کتاب منعکس ساخته‌ام.

علل مشروطیت

مشروطیت ایران که در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ آغاز شد، ریشه‌های عمیقی در برداشت که آنها را باید در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه جستجو نموده و اشاراتی بدانها نمود.

پنج‌جاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه و سیزده سال سلطنت مظفرالدین‌شاه مشحون از حقایق تلخی می‌باشد که مرور بر آنها تأسفانگیز و عبرت‌آمیز است:

۱ - دیکتاتوری مطلق شاه و ظلم و ستم و شقاوت شاهزادگان بلافصل و اقدامات خودسرانه و جابرانه ولات و حکام و عوامل حکومت.

۲ - فشار بی‌حد و حصر به مردم و وصول مالیات‌های سنگین، بدون توجه به درآمد کشاورزان و کارگران.

۳ - نبودن مراجع دادرسی و عدالتخانه برای رسیدگی به شکوائیه مردم از مأمورین دولتی و ثروتمندان.

۴ ... بدذل و بخشش بی‌حساب بیت‌المال به دولتمردان و شاهزادگان از طرف پادشاه.

۵ - اخذ تیول، وظیفه، مستمری، مداخل، باج از مردم.

عوامل یاد شده در بالا از يك طرف و سرعت سیر تمدن در اروپا از طرف دیگر مردم را به فکر چاره‌اندیشی انداخت.

روزنامه‌های انتقادی و تندرو که در خارج از ایران منتشر می‌شد مانند عروۃ‌الوقتیه، جبل‌المتین، قانون، ثریا و اختر که مخفیانه به ایران وارد و توزیع می‌شد در آگاهی مردم تأثیر به‌سزائی داشت و اولین عکس‌العمل مردم در برابر حکومت، واقعه رژی و تحریم تنباکو بود که به زعامت روحانیون به نتیجه رسید و شاه و حکومت در مقابل مردم عقب‌نشینی کردند.

ناصرالدین‌شاه در سفر خود به اروپا امتیازات زیادی به دولت انگلستان داد که عبارت بودند از: تأسیس تلگراف، تأسیس بانک، حفر معادن و بهره‌برداری از آنها، برقراری لاتاری و بالاخره دادن امتیاز تنباکو.

شورش مردم در تهران و شهرستانها با انتشار و توزیع فتوای میرزای شیرازی: (الیوم استعمال توتون و تنباکو باین نحوه، کان در حکم محاربه با امام زمان عجل‌الله فرجه می‌باشد) آغاز شد و مردم آنچنان در مقابل حکومت ایستادگی کردند که شاه ناچار قرارداد رژی و لاتاری را فسخ و ۵۰۰ هزار تومان غرامت آن را با استقراض از بانک شاهی و با گرو گذاردن گمرکات جنوب پرداخت نمود. این زنگ خطر، شاه و امنای دولت را از خواب غفلت بیدار نکرد و با همان شیوه استبدادی به کار خود ادامه دادند و بلکه زور و فشار بر ملت به منظور جبران خسارت فسخ رژی بیشتر و سهمگین‌تر شد.

ملت که سالها از ظلم و ستم و شقاوت دولتمردان به تنگ آمده بود چاره‌ای شایسته اندیشید و تصمیم بر کندن ریشه اصلی ظلم گرفت. میرزارضای کرمانی مرد فداکار تاریخ و مرید و مخلص سیدجمال‌الدین اسدآبادی که سالیان دراز با غل و زنجیر در زندانهای حکومت زیر شکنجه بود، این مأموریت را با طیب خاطر پذیرفت و با فدا کردن جان خود در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم ریشه فساد را از بیخ و بن سوزانید و شراره آتش این فداکاری، او را مرد تاریخ ساخت. ناصرالدین‌شاه که در تدارک برقراری جشن پنجاهمین سال سلطنت خود بود از ناوک گلوله دلدوز میرزارضا دیگر آرزوی خود را به گور برد.

شاه علیل و ابله

جانشین ناصرالدین شاه که مردی چهل و سه ساله علیل و جبون و فاسد و در عین حال رثوف و مهربان و بی‌تصمیم بود نتوانست در دوران سلطنت خود قدمی برای مردم بردارد و مردم را تا حدی از زیر بار شدید ظلم و زور نجات دهد. صدراعظمی مصلح را به نام میرزا علی‌خان امین‌الدوله به جای امین‌السلطان بر کرسی صدارت استوار ساخت ولی آن مرد دانا و توانا خواست دست به اصلاحاتی بزند که منافع اطرافیان طماع و سودپرست شاه به خطر افتاد و با هزاران افترا و تهمت آن مرد شایسته را از کار متواری و سرانجام در قریه لشت نشاء گیلان جان به جان آفرین تسلیم کرد.